

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۵

(ص ۷-۱۲)

جاینام «گردمان» در ارمنستان از کجا می‌آید؟

گارنیک آساطوریان*

چکیده

این مقاله به وجه اشتقاق جاینام **گردمان** در ارمنستان می‌پردازد. به عقیده نگارنده این جاینام منشأ قفقازی ندارد و به هیچ‌یک از قوم‌های قفقازی نیز شبیه نیست. **گردمان** به احتمال بسیار، ریشه در زبان‌های ایرانی دارد و از زبان پارسی یا ماد می‌ماند. به یادگار مانده است.

کلیدواژه‌ها: گردمان، جاینام‌های ارمنی، جاینام‌شناسی، زبان‌های ایرانی

* استاد و رئیس انستیتوی خاورشناسی دانشگاه روسی-ارمنی (اسلاونی)، ایروان garnik.asatrian@rau.am

درآمد

جاینام **گردمان**^۱ که نام یک ولایت است، در ادبیات کلاسیک ارمنی هم به‌تنهایی و هم در ترکیباتی مانند *Gardmana jor*، *Gardmanac' jor*، *Gardmanakan jor*، *Gardmanay jor*، و هم به‌شکل جمع *Gardman-k'* ضبط شده‌است (قس. معرب: قلعة الجردمان) (نک. Hübschmann 1904: 352). گردمان نام دوازدهمین ولایت ایالت اوتیک^۲ بوده که امروز در جانبِ علیای شمخورچای کنونی واقع است و یکی از انشعابات فرعی این رود هنوز نیز **گرتمانیک**^۳ نامیده می‌شود (Eremyan 1963; Ališan 1992: 163-168). خاقانی شروانی (۱۳۶۸: ۳۹۷) نیز در بیتی به این رودخانه اشاره کرده‌است: (46).

هم خلیفه مصر و بغداد است و هم فیض کفش

دجله از سعدون و نیل از گردمان انگیخته

بحث

اگر این نام مربوط به لایه‌های زیرین زبان نباشد، منشأ قفقازی ندارد (قس. گرجی: *Gardabani*) و به هیچ‌یک از قوم‌های قفقازی نیز شبیه نیست، بنابراین باید اصل و نسبی ایرانی داشته باشد؛ ساختار و شکل آوایی این واژه نیز چنین حدسی را تقویت می‌کند. در نگاه نخست، اشتقاق این جاینام از صورت اوستایی *garō-dəmāna-* (*garō-nmāna-*) به‌معنای «خانهٔ مدح، ملکوت الهی» با کاربرد «جای مبارک یا مقدس» بسیار فریبنده به نظر می‌رسد. چنین فرضی از نظر تحولات آوایی بلامانع است؛ صورت اوستایی این واژه را می‌توان به‌شکل **garah-dmāna-* بازسازی کرد که بر طبق قاعده، در ایرانی میانه باید ابتدا به

¹ *Gardman*

² *Utik'*

³ *Grt'manik/Krt'manik*

*garadmān** و سپس با حذف هجای میانی تکیه‌دار -a- به **گردمان** (*Gardman*) بدل می‌شد.^۱

با این حال، چنین توجیهی را باید تقریباً منتفی دانست؛ زیرا از لحاظ علمی ردّ پای یک عنصر مذهبی نادر در نظام جاینام‌ها اساساً ناممکن است و آنچه قبول چنین نظری را با چالش‌های بیشتری مواجه می‌کند این مسئله است که مفهوم مذهبی مذکور، برگرفته از یک ایدئولوژی غیریومی است و در سرزمین بومی نیز شاهدهی برای آن نمی‌توان یافت. با در نظر گرفتن همهٔ جوانب، صورت فرضی ایرانی میانهٔ جاینام *Gardman* ارمنی باید واژهٔ مرکب *gard-mān** باشد که جزء دوم آن یعنی *mān*- نیز بازتاب صورت ایرانی باستان *(d)māna** به معنی «خانه، سکونتگاه» است که در واژهٔ اوستایی *garō-damāna*- که در بالا ذکر شد نیز به چشم می‌خورد (Rastorгуева 2003: 324-325). حال اگر چنین حدسی درست باشد، جاینام **گردمان** به معنی «محلّ اقامت یک قوم، گروه اجتماعی یا دسته‌ای از مردم» است. حال این سؤال باقی می‌ماند که جزء نخست این واژه؛ یعنی *gard*- چه معنایی دارد و از کجا می‌آید؟

بر پایهٔ واژه‌های آرامی *grd'*، عیلامی *kurtaš*، و بابلی نو *gardu*- (ثبت شده در کتیبه‌ها) که از زبان‌های ایرانی وام گرفته شده‌اند، به صورت بازسازی شدهٔ ایرانی باستان *gardu*- می‌رسیم که تا امروز هیچ شاهدهی برای آن در متون کهن یافت نشده‌است. این واژه به معنای «گروه بردگان غیرآریایی، اسیران جنگی خدمت کننده در املاک (تیبول) پادشاه، حاکم

^۱ واژهٔ پهلوی *garōd(a)mān* به معنی «بهشت» وام‌واژه‌ای اوستایی است، نه حاصل تحوّل طبیعی آوایی در خود این زبان. فارسی میانهٔ مانوی *garāsmān* به معنی «آسمان» را نیز نمی‌توان حاصل تحوّل طبیعی به شمار آورد. این واژه بدون تردید حاصل خلط و تلفیق با واژهٔ «آسمان» *āsmān* است. شاید تنها، صورت‌های پارتی مانوی *gardmān* «آسمان» و سغدی *γardm'n* «آسمان برین» را بتوان حاصل تحوّل طبیعی آوایی دانست. واژهٔ ارمنی *geresman* را که بر خلاف نظر آچاریان (1971: 542-546) قطعاً ریشهٔ ایرانی دارد، به سبختی بتوان بازتاب این اصطلاح اوستایی در ارمنی دانست (Henning 1945: 157-162؛ نیز نک. Hübschmann 1897: 1/127). واژهٔ اوستایی *garō-damāna*- به‌طور کلی ساخت روشنی دارد و تنها جزء نخست آن محلّ بحث است (Bailey 1988: 61-62)، جزء دوم آن به معنی «خانه، سکونتگاه» است و از ایرانی باستان *(d)māna** می‌آید.

یا مالک»، و نیز «یک واحد نظامی متشکل از گروه‌هایی مانند گروهان، هنگ و گردان» است (Eilers 1985: 30; نیز، نک. Brandenstein/Mayrhofer 1964: 123). ایرانی باستان **garda-* حالت اضافی **grda-* به معنی «خانه» است (قس. سنسکریت: **grhá-* «خانه، خانواده»؛ گوتی: *gards* «خانه، خانواده»؛ اسلاونی کهن: градъ؛ اوستایی: *gərəða-* «غار، محل زندگی موجودات اهریمنی»). تمامی این واژه‌ها از ریشه هندواروپایی **gʰerdʰ-* به معنی «محصور کردن» (قس. Rix 1998: 176; نیز، نک. Mayrhofer 1986: s.v. *grhá-*) (هندواروپایی **gʰrdʰ-ó-* < ایرانی **garda-*) مشتق شده‌اند. آچاریان (1971: I/540-541) *gerd-* را در واژه *gerdastan* از این ریشه هندواروپایی مشتق می‌داند، اما وجود وند ایرانی *-stān-* احتمال ایرانی بودن آن را تقویت می‌کند (**grda-* < ارمنی: *gerd*؛ قس. **krta-* < ارمنی *kert*).

ایرانی باستان **garda-* احتمالاً متضمن چنین معنایی بوده‌است: «گروهی متشکل از اعضای یک خانواده بزرگ؛ قبیله». به هر حال، واژه ایرانی باستان **garda-* و صورت ایرانی میانه آن یعنی *gard* به «مردمانی از طبقه اجتماعی فرودست، گروهی از افراد سرسپرده ظاهراً غیرایرانی‌تبار یا یک واحد نظامی» اطلاق می‌شده‌است.

بنابراین، واژه ایرانی میانه **gardmān* که احتمالاً منشأ جاینام ارمنی *Gardman* است ممکن است به معنی محل سکونت یکی از گروه‌های مذکور باشد؛ مثلاً می‌توان آن را «تیول یا زمینی متعلق به حاکم یا فرمانروا» معنا کرد. حتی دور از ذهن نیست که **gardmān* در آن زمان، اصطلاحی با بار معنایی «تیول» بوده باشد، البته هیچ شواهدی که مؤید این فرض باشد در متون به‌جامانده وجود ندارد.

نتیجه‌گیری

صورت ایرانی باستان **garda-dmāna-* در پارسی یا مادی میانه باید به **gardmān* و سپس در فارسی میانه به **gālmān* بدل می‌شد. در مورد صورت اخیر یعنی **gālmān* باید توجه داشت که جزء *-ard-* ایرانی باستان بر پایه قوانین زبان‌شناسی به *-āl-* تحوّل می‌یابد. از همین صورت **garda-* واژه *gāl* را داریم که به معنای «رعیت‌های کارگر در تیول

حاکم یا ساتراپ» یا «خانواده، گروه، حشم (ملتزمین)» است. احتمالاً، واژه فارسی نو *galle* «گله» و کردی *gal* به معنی «مردم» نیز از صورت ایرانی باستان **garda* آمده‌اند. بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که جاینام **گردمان** از یک صورت پارتی یا مادی میانه مشتق شده‌است.

کتابنامه

خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل (۱۳۶۸) دیوان افضل‌الدین بدیل بن علی نجار خاقانی شروانی، به کوشش سید ضیاء‌الدین سجادی، تهران: زوار.

Ačaryan, Hr. (1971), *Hayeren armatakan bařaran* (vol. 1), Erevan.

Aliřan, Ğ. (1992), *Utik*, Erevan.

Bailey, H. W. (1988), "Garō-đmān", *Acta Iranica* 28: 61-62.

Brandenstein, W./Mayrhofer, M. (1964), *Handbuch des Altpersischen*, Wiesbaden.

Eilers, W. (1985) "Einige altiranische Etymologien", *Münchener Studien zur Sprachwissenschaft*, 45/II: 23-38.

Eremyan, S. (1963), *Hayastana est "Ařxarhac'uyc'i"*, Erevan.

Henning, W. B. (1945), "Two Central Asian Words", *Transactions of Philological Society*: 157-162.

Hübschmann, H. (1897), *Armenische Grammatik: I. Armenische Etymologie*, Leipzig.

Hübschmann, H. (1904), *Die altarmenische Ortsnamen*, Strařburg.

Mayrhofer, M. (1986), *Etymologisches Wörterbuch des Altindoarischen* (Band I), Heidelberg.

Rix, H. (1988) (ed.), *Lexicon der indogermanischen Verben*, Wiesbaden.

Расторгуева В. С./Эдельман Д. И. (2003), *Этимологический словарь иранских языков* (том 2), Москва.

On the Origin of the Armenian Place-Name *Gardman* *

Garnik Asatrian

Russian-Armenian (Slavonic) University, Yerevan

Abstract

The author discusses the origin of the Armenian place-name *Gardman*. In his view, it may be of Iranian, possibly Parthian or Middle Median, provenance.

Keywords: *Gardman, Armenian Place-Names, Toponymy, Iranian Languages*

* The article is prepared within the framework of the Project 21AG-6A079 “Transformation of the Identities of the Autochthonous Peoples of the Caspian Contact Zone: Between Iran and the Caucasus” of the Committee of Science of the Republic of Armenia.